

نگاهی به پیشینه عملکرد یکی از راهبردی‌ترین نهادهای حوزه اقتصاد در ایران

بانک مرکزی و تاریخ ۶۵ساله‌اش



در ۱۸ مرداد ۱۳۳۹ با تصویب قانون پولی و بانکی کشور، «بانک مرکزی ایران» رسماً تأسیس شد. هدف، تفکیک وظایف تجاری از سیاست‌گذاری پولی بود

با وجود ظاهری مدرن، این بانک اغلب مجری دستورات دربار و تسهیل‌کننده ورود سرمایه‌های نفتی به چرخه واردات بی‌رویه بود. اگرچه در این دوره، بانک مرکزی از نظر تکنوکراسی رشد کرد، اما استقلال آن در برابر اوامر ملوکانه تقریباً صفر بود. مرور نام و بررسی عملکرد رؤسای بانک مرکزی در این برهه تاریخی می‌تواند تا حدود زیادی فضای حاکم بر آن و خروجی‌هایش را توضیح دهد.

۱. ابراهیم کاشانی (۱۳۴۰-۱۳۳۹): نخستین رئیس‌کل بانک مرکزی که وظیفه انتقال حساب‌ها از بانک ملی به بانک مرکزی را بر عهده داشت. او با چالش بزرگ تثبیت جایگاه بانک در برابر بانک ملی قدرت‌مند روبه‌رو شد.

۲. علی اصغر پورهایون (۱۳۴۳-۱۳۴۰): در دوره او، بحران‌های ارزی ناشی از سیاست‌های غلط اقتصادی دولت شدت گرفت. تلاش‌های او برای انضباط مالی اغلب با مقاومت دربار روبه‌رو می‌شد. **۳. مهدی سمیعی (۱۳۴۷-۱۳۴۴ و دوره کوتاه ۱۳۴۹):** او را معماربانک مرکزی نوین می‌دانند. سمیعی کوشیدساختار کارشناسی بانک را تقویت کند، اما در نهایت نتوانست مانع دخالت‌های فزاینده شاه در برداشت از ذخایر ارزی برای خریدهای نظامی شود.

۴. خداداد فرمانفرمایان (۱۳۴۹-۱۳۴۷): در دوره او با افزایش درآمدهای نفتی، فشاربرای تزریق نقدینگی افزایش یافت که نتیجه‌اش آغاز موج‌های تورمی بود.

۵. عبدالعلی جهانشاهی (۱۳۵۲-۱۳۴۹): دورانی که با افزایش شدید قیمت نفت هم‌زمان شد. مدیریت درآمدهای سرشار نفتی و جلوگیری از «بیماری هلندی» مهم‌ترین چالش او بود که البته با دستوره‌ای شاه مبنی بر «خرج‌کردن تمام دلارها» عملاً شکست خورد.

۶. محمدیگانه (۱۳۵۸-۱۳۵۲): او در اوج شوک نفتی ریاست بانک را بر عهده داشت. سیاست‌های انبساطی شدید و واردات بی‌رویه در این دوره، تورم را به‌شدت افزایش داد و پایه‌های نارضایتی اقتصادی مردم‌رامستحکم کرد.

۷. حسنعلی مهران (۱۳۵۶-۱۳۵۴): تلاش برای مهار تورم لجام‌گسیخته ناشی از سیاست‌های سال‌های قبل، مأموریت ناممکن او بود. در این دوره فرار سرمایه توسط وابستگان دربار شدت گرفت و بانک مرکزی عملاً ناظر خاموش تاراج ذخایر ارزی شد.

۸. یوسف خوش‌کیش (۱۳۵۸-۱۳۵۶): آخرین رئیس‌کل پیش از انقلاب که در بحبوحه اعتصابات و خروج گسترده ارز توسط خاندان سلطنتی، عملاً‌گاری از پیش‌نبرد.

تحلیل مختصر تاریخی: بانک مرکزی در این دوره با وجود برخورداری از کارشناسان زبده، فاقد «استقلال سیاسی» بود. شاه‌شخصاً در موردنرخ‌بهره وحجم نقدینگی تصمیم می‌گرفت. گزارش‌های تاریخی (ازجمله خاطرات ابوالحسن ابتهاج و اسناد بانک جهانی) نشان می‌دهد بانک مرکزی در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، به صندوقداری برای تأمین هزینه‌های جشن‌های شاهنشاهی و خریدهای تسلیحاتی

۶. سید محسن نوربخش (۱۳۸۲-۱۳۷۳): بازگشت نوربخش با سیاست «تثبیت اقتصادی» همراه شد. کنترل تورم لجام‌گسیخته سال ۱۳۷۴ خورشیدی، یکسان‌سازی نرخ ارز (در سال‌های بعد) و تأسیس بانک‌های خصوصی برای ایجاد رقابت، از دستاوردهای مهم این دوره طولانی بود. برخی از پژوهشگران، ثبات نسبی اقتصادی در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ را مدیون سیاست‌های انضباطی این دوره می‌دانند.

۷. ابراهیم شیبانی (۱۳۸۶-۱۳۸۲): تداوم سیاست‌های دوره قبل و تلاش برای گسترش بانکداری الکترونیک. تغییر واحد پول از ریال به تومان برای نخستین بار در این دوره به صورت جدی مطرح شد.

۸. طهماسب مظاهری (۱۳۸۷-۱۳۸۶): دوره ریاست او بر بانک مرکزی، کوتاه‌اما جنجالی و با رویکرد «سه‌قفله‌کردن خزانه» برای کنترل تورم همراه بود. وی تلاش کرد جلو اعطای تسهیلات دستوری به بنگاه‌های زودبازده را بگیرد که البته با مقاومت‌هایی در بدنه اجرایی کشور مواجه شد. **۹. محمود بهمنی (۱۳۹۲-۱۳۸۷):** مدیریت بانک مرکزی در اوج تحریم‌های هسته‌ای و اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها مربوط به دوره ریاست بهمنی است. تأمین ارز برای مسکن مهر و مدیریت بحران ارزی سال ۹۱ از چالش‌های عظیم این دوره بود که فشار سنگینی بر منابع بانک مرکزی وارد کرد.

۱۰. ولی‌الله سیف (۱۳۹۷-۱۳۹۲): ساماندهی مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز که تهدیدی برای امنیت اقتصادی و حتی ملی شده بودند، بزرگ‌ترین اقدام (و البته چالش‌برانگیزترین موضوع) دوره او بود. کنترل تورم و تک‌رقمی کردن آن برای مدتی، از نقاط قوت این دوره محسوب می‌شود.

۱۱. عبدالناصر همتی (۱۴۰۰-۱۳۹۷): همتی ریاست خود بر بانک مرکزی را در شرایط بسیار سخت تحریمی آغاز کرد. او با سیاست «عملیات بازار باز» و کنترل ترانزنامه بانک‌ها تلاش کرد مانع ایجاد ابرتورم شود.

۱۲. علی صالح‌آبادی (۱۴۰۱-۱۴۰۰): تلاش برای اجرای بانکداری اسلامی و کنترل رشد نقدینگی از اقدامات دوره کوتاه ریاست وی بود. با این حال نوسان‌های ارزی در پاییز ۱۴۰۱ منجر به تغییر او شد.

۱۳. محمدرضا فرزین (۱۴۰۲-۱۴۰۱): تمرکز بر سیاست «تثبیت اقتصادی»، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا و تلاش برای دیپلماسی ارزی به منظور آزادسازی منابع بلوکه‌شده، از محورهای اصلی فعالیت او بوده است. فرزین به دنبال افزایش سرسام‌آور نرخ طلا و ارز و نیز بالا رفتن ناگهانی نرخ تورم، استعفا کرد و در پی آن، دوره دوم ریاست عبدالناصر همتی آغاز شد.

تحلیل مختصر تاریخی: بانک مرکزی در چهار دهه اخیر، سنگر اصلی مقاومت در برابر جنگ اقتصادی بوده است. حفظ ارزش پول ملی در برابر تحریم‌های بی‌سابقه جهانی، کاری بس دشوار است که این نهاد با فراز و نشیب‌هایی آن را مدیریت کرد (درباره کیفیت این مدیریت و آثار آن باید اقتصاددانان و کارشناسان این حوزه اظهار نظر کنند). با این حال، چالش‌هایی نظیر «سلطه مالی دولت بر سیاست‌های پولی» (کسری بودجه دولت که به بانک مرکزی تحمیل می‌شود) و «ناآرایی بانک‌ها» همچنان به عنوان موانعی بر سر راه کنترل پایدار تورم وجود دارد. پس از انقلاب، بانک مرکزی از یک نهاد صرفاً توزیع‌کننده دلار نفتی (دوره پهلوی)، به نهادی مسئولیت‌پذیر تبدیل شد که در غنچه عدالت اجتماعی و بانکداری بدون ربا را داشته‌است، هرچند تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد.

■ سخن‌پایانی

تاریخ بانک مرکزی ایران، آینه‌ای از تاریخ سیاسی و اقتصادی کشور است. از روزگاری که بیگانگان بر خزانه کشور حکم می‌رانند تا دوران پهلوی که بانک مرکزی صندوقچه دربار بود و سرانجام دوران جمهوری اسلامی که این نهاد به سنگر مقاومت اقتصادی بدل شد، راهی طولانی‌پیموده‌شده‌است. امروز بانک مرکزی ایران با تکیه بر تجربه تاریخی خود و قوانین جدید، در تلاش است با عبور از چالش‌هایی مانند «ناآرایی‌های بانکی» به هدف غایی خود یعنی ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول ملی دست یابد. مسلّم است حل مشکلات ریشه‌دار تورم، تنها با ابزارهای پولی ممکن نیست و به انضباط مالی دولت و اصلاحات ساختاری در بودجه‌ریزی کشور نیاز دارد؛ مسیری که اگرچه دشوار، اما برای شکوفایی اقتصاد ایران ضروری است.

■ برخی منابع:

تاریخ بیست و پنج ساله بانک مرکزی ایران، انتشارات بانک مرکزی، ۱۳۶۴
خاطرات ابوالحسن ابتهاج، انتشارات علمی، ۱۳۷۱
رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، انتشارات شعله‌اندیشه، ۱۳۶۹



شد، برای نگاشته‌های مورخان معاصر، سندی مهم و برای علاقه‌مندان به تاریخ، میراثی درخ‌ور و ماندگار است.
سوروگین که با وجود عکاسی از رضاشاه، در دوره پهلوی با بی‌مهری حاکمیت روبه‌رو شده بود، سرانجام در سال ۱۳۱۲ در تهران درگذشت و در گورستان ارامنه دروازه دولاپ به خاک سپرده شد. او در دوران زندگی‌اش به شهرهای مختلف ایران و خاورمیانه سفر و عکس‌هایی ناب از این مناطق تهیه کرد.

مانده بود که پس از به قدرت رسیدن رضاشاه و برای از بین بردن آثار دودمان قاجار، توقیف شد و بعدها سر از مراکز پژوهشی آمریکا دراورد.
در معروف‌ترین عکاسی‌های سوروگین می‌توان به مراسم تاج‌گذاری مظفرالدین‌شاه، تشییع جنازه ناصرالدین‌شاه و نیز عکس ماندگار وی از میرزا رضای کرمانی و مراسم اعدام او اشاره کرد.

اما شاید بتوان مهم‌ترین عکس‌های سوروگین را ثبت خاطرات نهضت مشروطیت ایران دانست. صدها عکس او از مجاهدان مشروطه و اجتماعاتی که در این رویداد مهم تاریخ ایران تشکیل

سند تاریخی

آیا «پروتکل‌های دانشوران صهیون» واقعی هستند؟

رودسری | بنیان صهیونیسم بر تفکرات استعمارگرایانه قرار دارد؛

درواقع این جریان نه بر بستر ایده‌ها و اندیشه‌های دین پیهود، بلکه بر اساس دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه غرب در زمینه غارت و چپاول سایر ملت‌ها شکل گرفت. پیش از این و در همین ستون گفتیم هر تسل بسیاری از نظرات خود را از سیسیل رودس، سرکرده استعمار بریتانیا در آفریقا اقتباس کرد. نخستین

کنگره صهیونیست‌ها در سال های

پایانی قرن ۱۹، در شهر بازل سوئیس برگزار شدو در آن، یهودیانی از سراسر اروپا برای بررسی و اظهارنظر درباره تفکرات هر تسل دور هم جمع شدند. ماحصل این نشست، اسنادی بود که پلیس مخفی روسیه تزاری توانست به آن‌ها دست یابد. چند سال بعد، برای نخستین بار مجموعه‌ای از این اسناد به زبان روسی منتشر شد. این اسناد که به پروتکل‌های دانشوران صهیون مشهور هستند، دیدگاه‌های افراطی صهیونیست‌ها را شامل می‌شوند؛ دیدگاه‌هایی که مبتنی بر پُست انگاشتن غیریهودیان و تلاش برای گسترش و نفوذ صهیونیسم به هر شکل ممکن در سراسر دنیاست. در این اسناد اشاره‌هایی به روش‌های از بین بردن فرهنگ و اصالت سایر اقوام وجود دارد؛ ترویج فساد و فحشا ازجمله این روش‌هاست. با این حال، درباره اصالت این اسناد از سوی پژوهشگران تردیدهای جدی وارد شده‌است؛ از جمله نوع کشف و بدست آوردن آن‌ها. برخی معتقدند حکومت تزاری به دلیل دشمنی عمده با یهودیان به انتشار این اسناد برای دامن زدن به یهودستیزی در روسیه دست زده‌است. این ایده چندان دور از ذهن نیست، اما نکته‌ای که توجه را به خود جلب می‌کند، واکنش صهیونیست‌ها به انتشار این اسناد است. آن‌ها نه تنها رویکردی منفی نسبت به آن ندارند، بلکه گاه اسباب انتشار بیشتر این سندها را فراهم می‌کنند؛ فایده این کار، بزرگ نشان دادن قدرت آن‌هاست که می‌تواند با ایجاد رعب و وحشت، زمینه را برای تسلط روانی صهیونیست‌ها بر جامعه هدف فراهم کند و البته، زمینه‌ساز صرف‌نظر دشمنان برای ادامه مقابله با صهیونیست‌ها شود. بنابراین، به نظر می‌رسد آنچه با عنوان «پروتکل‌های دانشوران صهیون» در اختیار ماست، خواه محصول فعالیت‌های ضدیهودی پلیس مخفی روسیه تزاری باشد و خواه چنان‌که «عجاج نویه‌ض» پژوهشگر عرب می‌گوید، تافته‌های ذهنی آشر گینزبرگ، یکی از سران آژانس یهود در اوایل قرن ۲۰، در دوره‌ای به کار صهیونیست‌ها آمد و انتشار آن توانست زمینه را برای بزرگ و قدرتمند جلوه دادن صهیونیسم فراهم کند.

تاریخ غذا

تاریخ مختصر بستنی!



بستنی به‌ویژه در روزهای گرم سال، یکی از خوردنی‌های پرطرفدار است. کمتر کسی پیدا می‌شود که بستنی را دوست نداشته‌باشد. با این حال، اطلاعات تاریخی ما درباره این ماده غذایی نشاط‌آور، زیاد نیست. می‌دانیم که قرن‌ها پیش، چینی‌ها از یخ‌های یخچال‌های طبیعی برای ساختن نوعی بستنی استفاده می‌کردند و در ایران خودمان هم مردم شیره انگور یا توت را با برف مخلوط و به عنوان یک دسر خوشمزه استفاده می‌کردند. اما تولید صنعتی بستنی نخستین بار در «ینگه دنیا» و زمانی اتفاق افتاد که فروشنده‌ای خوش ذوق در شهر نیویورک اقدام به افتتاح یک مغازه بستنی‌فروشی کرد؛ یکی از روزهای گرم سال ۱۷۷۶ (۱۱۵۵ خورشیدی). ظاهراً برای نخستین بار هم نام انگلیسی بستنی، «rice cream» از همین زمان بر سر زبان‌ها افتاد. بعدها در سال ۱۸۷۰، یعنی حدود ۱۰۰ سال بعد، فروش بستنی در اروپا هم رایج شد و برای نخستین بار بستنی‌فروش‌های سیار به کار افتادند. تا سال ۱۹۰۵، تولید بستنی با همان روش قدیمی، یعنی استفاده از خامه و یخ متداول بود؛ اما در این سال، یک اتفاق تصادفی در منزل «فرانک اپرسون» تاریخ بستنی جهان را وارد مرحله تازه‌ای کرد. او که در یک شب سرد زمستانی، لیوان حاوی شربتینی را بیرون خانه جا گذاشته بود، روز بعد در حالی آن را یافت که یخ زده و یک قاشق چوبی در آن گیر کرده بود. به این ترتیب، ایده ساخت بستنی چوبی در ذهن اپرسون شکل گرفت، اما تا سال ۱۹۲۳ موفق نشد آن را به صورت یک اختراع ثبت و اجرایی کند. اپرسون چند سال بعد به دلیل مشکلات مالی، امتیاز تولید بستنی چوبی خودش را که ما امروزه در کردو به این ترتیب، تولید صنعتی بستنی چوبی مدل اپرسون آغاز شد. مدتی بعد، «نئو شولر» یک نجار خوش ذوق آلمانی، طرحی برای چوب بستنی ریخت و نوع جدیدی از این محصول را به بازار فرستاد. اختو با کمک برادرش، کارگاهی را برای تولید این محصول راه انداخت که شباهت زیادی به کارخانه‌های بستنی‌سازی امروزی داشت. به دنبال فروش بالا، در سال ۱۹۳۷ نخستین کارخانه صنعتی بستنی چوبی هم افتتاح شد؛ تئوروشی را ابداع کرد که بستنی خامه‌ای روی چوب دوام بیاورد و به این ترتیب، بستنی چوبی معروفی که برخی از ما آن را به نام «کیوم» می‌شناسیم، به دنیا معرفی و به سرعت محبوب شد.

تاریخ هنر

هنر عکاسی در دوره قاجار به ایران آمد و به تدریج در میان طبقات بالای جامعه، جای خود را باز کرد؛ اما کمتر کسی در میان آن‌ها به فکر عکس گرفتن از مردم و ثبت حقایق جامعه ایرانی در دوره قاجار می‌افتاد. در سال ۱۲۴۹ خورشیدی، مردی گرجی‌تبار به نام «آنتوان سوروگین» از قفقاز به تبریز آمد و در این شهر ساکن شد. هنر او عکاسی بود.

آنتوان خیلی زود به دلیل مهارتش به دربار مظفرالدین میرزای ولیعهد راه یافت و از مقربان درگاه شد. بعدها با مظفرالدین‌شاه به تهران آمد و در خیابان «علاءالدوله» این شهر مغازه عکاسی باز کرد و تا سال ۱۳۱۲ که زندگی را بدرود گفت، در پایتخت ایران ساکن بود؛ البته به شهرهای مختلف، سفرهایی داشت. سوروگین به دلیل مهارت در ثبت لحظات تاریخی و عکس‌هایش از مردم ایران شهرت دارد. از او ده‌ها هزار شیشه عکس باقی